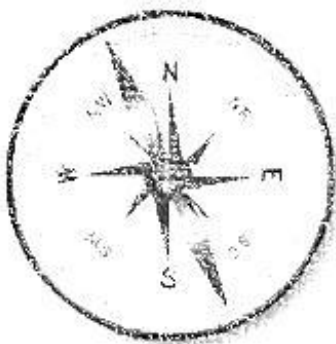


{ هر دیواری بالا رفتنی نیست! }

آسیب شناسی دیدگاهی و عملکردی جنبش دانشجویی
در سه دهه اخیر با بررسی موردی سریال رمز آلود
تسخیر سفارت ها



به انضمام نقشه راه جنبش دانشجویی انقلابی
برگرفته از بیانات و فرامین رهبر معظم انقلاب اسلامی

به قلم : میلاد منصور

:: تأملی درون گفتمانی در سریال رمزآلود تسخیر سفارت ها؛ افتراقات و اشتراکات

جستار پیش رو سعی دارد با تدقیق، نقادی و زیر ذره بین قرار دادن دو رخداد تاریخ معاصر در حوزه انقلاب اسلامی یعنی تسخیر سفارتخانه های آمریکای امپریالیست و انگلیس استعمارگر در تهران (که توسط دو نسل و در دو بازه زمانی دور از هم رخ نموده است) و بررسی و کنکاش اجمالی در ریشه های شکل گیری تحولاتی از این جنس، نسبت نزدیکی رویدادهای مذکور با "خواسته ها و فرامین امام امت"، مورد توجه قرار گیرد. درخت که می افتد بزم تبر به دست ها شروع می شود! اما سعی شده است در چنین مسیری گام برداشته نشود و سبب الاسباب و علت العلل سستی ریشه ها (عامل اصلی زمین خوردن طرح و برنامه ها) به میدان آورده شود و نکته دیگر اینکه رهاسازی، راه حل خوبی برای حل معضلات و ایرادات نیست بلکه جریانات و اتفاقات گفتمانی و عملکردی بایستی مرتبا در انظار عوام و خواص مورد مطالعه موردی قرار گیرد تا اصلاحات و الحاقات احتمالی لازم در آینده، اعمال و نقاط قوت، تکرار و نقاط ضعف حذف گردند.

بحث مورد مناقشه این نیست که تسخیر سفارت یک کشور به مثابه تصرف خاک آن کشور می باشد و با قوانین دیپلماتیک و عرف بین الملل نمی خواند، در ایدئولوژی عناصر انقلابی که مبانی تئوریک و عملکردی آنان از اسلام ناب محمدی (ص) تغذیه می کند، اگر فرمان امام جامعه اسلامی، قیام باشد یا سکوت فرقی نمی کند و در مقابل آن، تمام قوانین اعتباری موجود در عالم، بالاخص از نوع غربی اش، رنگ می بازد. اما موضوع چالش برانگیز، منبع و منشأ انگیزاننده ای است که منتج و منجر به صدور یک عمل از انسان می شود. در این مورد خاص همان طور که در ابتدا گفته شد بعنوان نمونه ای در دسترس، کیس (مورد)

"تمایل به تسخیر سفارتخانه کشور متخاصم" بعنوان الگویی (پارادایم) مشروعیت یافته که نیاز به کسب اجازه از ولی و سرپرست جامعه ندارد، پرداخته خواهد شد که می تواند مشتی باشد نمونه از یک خروار.

:: شیعه تنوری؛ وحدت وجودی با ولی

مختصه و ویژگی سلمان که او را تا مقام مناهل البیت(ع) بالا برد این بود که در نظر و عمل به مولا و مقتدایش حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) به وحدت وجودی رسیده بود یعنی دلش می خواست آنچه را دوست بدارد و عمل کند که مولایش دغدغه اش را دارد نه آنچه دل سلمان تمنا دارد و خودش را با اولی الامر زمانش تنظیم می کرد و وفق می داد نه اینکه مرکب اراده و به تبع آن حیات خویش را همچون برگی در باد به این سو و آن سو بکشاند. سلمان قصه ما از چارچوب دل نگرانی های امام عصرش خارج نشد و به جدول نزد؛ نه عقب می افتاد نه جلو می زد و موتور محرکه اش "سه" کار نمی کرد، اولویت ها را و اصلی و فرعی سازی مسائل را درست تشخیص می داد؛ نگاهش به آرمان های انقلاب علی(ع) و مجموعه اش را به خدا داده سپرده بود و به جلو می تازاند اما چگونه حرکتی؟! راه رفتن سلمان پشت سر علی(ع) بگونه ای بود که همیشه یک ردپا بیشتر دیده نمی شده است یعنی سلمان جاپای علی(ع) می گذاشت حتی در قدم زدن! این همان مفهوم ذوب شدن در ولایت و ولایت پذیری در نظر و عمل و "غیر گزینشی" از رهبر جامعه اسلامی (بعنوان یک کل یکپارچه) است. در کنار این الگوها، درس های عبرت زیادی در تاریخ صدر اسلام قابل رصد و مشاهده می باشد؛ علی(ع) در نهج البلاغه خطاب به کوفیان و در جواب بهانه جویی های آنان برای فرار از جنگ، می فرماید که وقتی شما را برای جهاد فراخواندم گفتید یا علی چه خبر است؟ فصل سرماست که می تواند جهاد کند و هنگام

تابستان هم گفتید جهاد آن هم در گرما! مگر می شود! و اینچنین ذلت و خواری به شما روی آورد. (نقل به مضمون)

:: در همین نزدیکی؛ قطب نما و نقشه گنج

ضعف عقبه تئوریک در جنبش دانشجویی و نگاه به بیرون یکی از معضلات تقریباً همیشگی جریان های دانشجویی بوده است یعنی از یک طرف تلاش و برنامه ریزی مستمر جهت ارتقاء سطح دانش و بینش سیاسی و ایدئولوژیک برای ورودی های تشکل های خرد و کلان وجود ندارد که همین سبب فروپاشی از درون برخی از این مجموعه ها و استحاله و تغییر گفتمان های ۱۸۰درجه ای شده است و از سوی دیگر بواسطه خلأ نظری موجود و نبود نرم افزار مناسب با آرمان های انقلاب اسلامی در تشکیلات های دانشجویی، فرصتی را برای احزاب و یا باندهای سیاسی سطح جامعه برای سواری گرفتن و به بازی گرفتن برخی طیف ها در جنبش دانشجویی هموارتر نموده یا در نمونه اصلاح شده و بهینه آن، جریان های دانشجویی برای ترسیم خط و خطوط خود، ابتکار عمل و درون زایی را از دست داده و منتظرند تا از بیرون، مورد حمایت و هدایت و خط دهی قرار گیرند که تحلیل بیشتر در این مقال نمی گنجد.

بعد از آنکه دانشجویانی که خود را پیروان خط امام می نامیدند، امام روح الله را در عمل انجام شده قرار دادند، سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران را تصرف و کارمندان جاسوس آن را به گروگان گرفتند، حضرت امام خمینی (ره) به محض دریافت خبر، با تیزی و ذکاوتی مثال زدنی آقاسید احمد فرزند برومندشان را جهت بررسی ابعاد مختلف و جوانب کار و مبادی و مبانی و اهداف ورود به سفارت و بررسی میدانی به لانه جاسوسی اعزام نمودند و اخبار و رویدادهای جریان تسخیر سفارت را زیر نظر داشتند و با مدیریت

ماجرا و اصلاح برخی روندها، موج سازی اجتماعی نموده و دست طماعان و خدعه گران را از غائله بریدند و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا را به انقلاب دوم تعبیر نمودند که در جای خود قابل تأمل و تدبیر و تعمق می باشد. بلاشک عدم ورود امام به جریان تسخیر سفارت آمریکا، منتج به میدان داری سرسپردگان شرق و غرب در ایران پس از انقلاب و شروع و شیوع نابسامانی های سیاسی و اجتماعی می شد که با ریل گذاری و جهت دهی مناسب از سوی ایشان، قطع رابطه آمریکا با ایران می شود تنها کار خوب شیطان بزرگ؛ یعنی قدرت و ظرفیت بالای تبدیل تهدید به فرصت (مکتب چهارم امنیتی در دکترین راهبردی حکومت ها) انقلاب.



در قضیه ورود دانشجویان معترض و انقلابی به سفارت انگلیس (۱۳۹۰) به اذعان دوستان و شاهدان عینی، اعمال نفوذ جریانات شبه دانشجویی یا غیر دانشجویی مسأله دار در قالب

پوشش های فریبنده، به وضوح دیده می شده است که در انتها، مدیریت و هدایت برنامه را از اختیار گردانندگان اصلی خارج نموده و به ناکجا آباد رسانده اند و از دانشجویان برای تکمیل قطعات پازل سناریوی خود، بهره برداری نموده اند. سوال اساسی این است که با چه تحلیلی و معیاری از مواضع رهبر عزیز انقلاب اسلامی برخی به این نتیجه رسیده بودند که "تنگه اُحد فعلی جنبش دانشجویی" بالا رفتن از دیوار و سپس بیرون آمدن از درب سفارت انگلیس بوده است؟! آقا گفته اند تحلیل داشته باشید اما آیا هر تحلیلی باید عملیاتی شود؟ تخریب سفارت (جدای تأیید یا تقبیح) به خودی خود نشان می دهد بحث ورود، ناخواسته بوده و از قبل برنامه ای برای اینکار وجود نداشته است البته این یک فرضیه است اما اگر یک هدف از قبل طراحی شده بوده باشد افراد بدنبال چه بوده اند؟ در عصر ماهواره و چیپ و میکروپروسورها آیا جاسوسخانه انگلیس، اسنادی مکتوب و یا قابل بازیابی برای تسخیرکنندگان کنار می گذارد؟ آیا شرایط هر دو مورد (شرارتخانه های آمریکا و انگلیس) یکسان بوده است که نسخه واحدی برایشان پیچیده شود؟ و ده ها سوال دیگر اما هدف بازخواست از فرد یا شخص و جریانات دانشجویی نیست یا محکوم نمودن افراد و انگ و برچسب پراکنی؛ بلکه یک نقد درون گفتمانی است برای رسیدن به این مطلب که آیا قطب نماهایمان درست کار می کند و راه را درست می رویم؟ اگر قطب نماهایمان درست است آیا نقشه گنج به دست گرفته ایم یا نقشه ای دیگر و فرعی به دستمان داده اند؟!

تسخیر سفارت آمریکای جهانخوار و بعدها لانه جاسوسی، توسط دانشجویان پیرو خط امامی صورت گرفت که امامی که آنان مدعی پیروی از او بوده اند بعد از ورود دانشجویان به سفارت باخبر شدند نه فرمانی از جانب امام صادر شده بود و نه مشورتی با ایشان انجام

شده بود. برخی منابع تاریخی معتقدند دانشجویان با تحریک از بیرون و اقناع توسط مهره های نشان دار دارای روابط معنادار با نظام شوروی اقدام کرده بودند.



گفته می شود موسوی خوئینی ها مضمون به جاسوسی برای ک.گ.ب (دستگاه اطلاعاتی شوروی سابق) و پدر معنوی جریان دوم خرداد و تئورسین فتنه که از تفسیرهای کمونیستی اش در دوران انقلاب، حجاریان ها زاده شدند برای دستیابی و نابودی اسناد موجود در سفارت آمریکا که خط و ربط های آنان را در ایران پس انقلاب رو می کرد، همان اسنادی که فقط از بخشی از آن که سالم و بدون خدشه به دست دانشجویان افتاد، بنی صدر را لو داد؛ تلاش های زیادی را برای جلو انداختن دانشجویان بدون هماهنگی و کسب اجازه از امام انجام داد تا دانشجویان را ترغیب به تسخیر سفارت نماید البته نمی توان این شخص و قضیه را تنها عامل یا موثرترین آن در کلید خوردن موضوع ورود و تسخیر سفارت آمریکا دانست اما نقش این طیف را نباید از یاد برد که احساسات انقلابی جوانان مسلمان را تحریک و با هدفی به ظاهر معقول اما خارج از محدوده هماهنگ شده با ولی امر به سمت

هدفی ظاهر الصلاح سوق می دهند و از آن دو دو تا چهارتایی پرده برداری می کنند که گاهی پنج تا می شود و گاهی هم شش تا!

پس دانشجویان مدعی حرکت در خط امام چه کرده اند؟ این دیگر چه مدل پیروی است؟! کلیت کار زیر سوال نمی رود و قصد تعمیم جزء به کل هم نداریم که بواسطه یک خطا، تمامیت بحث زیر سوال برود منتهی مراتب اگر در قالب نظام رفتاری "امام و امت" تحلیلی صورت گیرد باید خدا را شکر کرد که نوشداروی امام عزیز، در زمان و مکان مناسب و قبل از موت احتمالی به بدنه جریان دانشجویی تزریق شد.

در تسخیر سفارت ایالات متحده و بصورت کلی تر بحث رابطه با آمریکا، گروه های نهضت آزادی، ملی مذهبی ها (که نه ملت را داشتند و نه مذهب را!) و در رأس آنها دولت بازرگان که حامی عادی شدن و تقویت و تعمیق رابطه با آمریکا بودند، در ابتدا جهت همراهی با موج به پا خاسته مردم بعد از ورود امام خمینی (ره)، حمایت های نمایشی ترتیب دادند ولی بعدا صدای اعتراضشان بلند و نامه و بیانیه پراکنی هایشان در رد و تکذیب ورود به سفارت آمریکا شدت گرفت چراکه رابطه با آمریکا را در مدل دیگری جز راهبرد "نه شرقی، نه غربی" جستجو می کردند فی الواقع دولت موقت نه دولت انتقالی بود نه دولت انقلابی و اساسا گفتمان حاکم بر آن در اغلب مواقع در تضاد با گفتمان تازه ارائه شده و نوپای انقلاب اسلامی بود و باید اعتراف کرد که تن دادن به چنین مهره ها و عناصری در ابتدای انقلاب، ناشی از عدم تولید کادر راه بلد و کار بلد در امورات اجرایی بود که می بایست همزمان با پیشروی و توسعه امواج انقلاب به سراسر مملکت، روند نیرویابی و نیروسازی نیز دنبال می شد که رفته رفته بعد از انقلاب اسلامی، کادر مورد نیاز، اصلاح و ترمیم و تکمیل شد. القصه دولت انتقالی که می بایست مثل بولدوزر جاده صاف کن

انقلاب باشد، سنگ مسیر انقلاب شده بود و هر دم از این باغ بری می رسید و یکی از دلایل کناره گیری دولت بازرگان به جریان تسخیر سفارت آمریکا بر می گردد.

تسخیر سفارت آمریکا هر چه بود چارت و نمودار تشکیلاتی و تقسیم وظیفه داشت سخنگو داشت و کمیته بندی شده بود اما در غائله سفارت انگلیس اینگونه نبود و هر کس مرکب خود را می راند و پس از ورود و حتی قبل از آن برنامه ای حساب شده در کار نبود و کار مدیریت نداشت و به همین دلیل افسار کار از دست هسته اولیه خارج شد و هر کس باب میل خود رفتار می کرد و تخریب، بعد اصلی رسانه ای شد در حالیکه مدل تاریخی این نوع کنش های سیاسی، بست نشینی و تحصن است و تشکیل شورای تحصن و مدیریت همه جانبه و برنامه زمانی و اجرایی مشخص و حساب شده. همان ایام دوستانی بودند که درخواست تأمین وسایل نقلیه و الحاق به تهران را داشتند که ناشی از هیجان بدون برنامه ریزی محتوایی-تدارکاتی برای افراد و بدون استعلام اخبار سفارت انگلیس، درخواست های سطحی اعزام به شرارتخانه انگلیس را مطرح می نمودند؛ چراکه طبق اخباری که منتشر می شد سفارت و اطرافش خالی شده بود! در حالیکه این تب دارهای تند، زود سرد شدند!

برخی شاید با این دیدگاه که الان در تاریخ اسامی و نشان حاضرین در تسخیر ماندگار شده و شاید قصد تکرار این مدل را داشتند اما در این فرضیه، شرایط را در بدترین حالت بررسی می کند اما خوش بینانه همان است که هیجان و شور انقلابی بوده که عیار عاقبت اندیشی اش پایین بوده باشد و شاید دوستان انتظار داشتند با همان عمل و تکرار نعل به نعل جریان ۱۳ آبان ۱۳۵۸، انقلاب سومی در مورد سفارت روباه پیر رقم زده شود؛ نمی شود با راهکار دهه ۵۰ و ۶۰ در دهه ۹۰ عرض اندام نمود و نقش آفرینی کرد این دیگر راهبرد نیست چاهبرد است یعنی ابزار و قالب کار که محتوا را قرار است ارائه بدهد به روز و مبتکرانه

نیست؛ احساس درست و عمل و قالب اشتباه. پازل دشمن تکمیل شد با یک قطعه حق! و خوراک و آتش تهیه امپریالیسم رسانه ای و سوژه سازی در شرایطی که ادعای انزوای ایران اسلامی در صدر اخبار خبرگزاری های استبدادی و صهیونیستی بود!



باوجود مصوبه مجلس مبنی بر کاهش روابط و مناسبات سیاسی با رژیم سلطنتی انگلیس پلید(انگلیس از قراردادهای نفتی و چپاول سرمایه ها و تولیدات صنعتی و معدنی و کشاورزی ایران، دخالت در سرنوشت حاکمیتی مردم، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا فتنه ۸۸ و دیگر مداخله گری ها) نقره داغ شد نیازی به ورود نبود این مصداق است که بدانیم از ریل خارج شده ایم حتی طبق شنیده ها قبل از ورود فردی به جمعیت می گوید که از دفتر آقا کسب تکلیف شده، ایشان به این عمل در شرایط فعلی راضی نیستند اما عمارهای زمان گوش نکردند شاید انتظار داشتند خود آقا مستقیما و حضورا به ایشان امر نمایند. قصه پر غصه ای است این جریان ولایت پذیری ما مدعیان اهل کوفه نبودن!

بودن یا نبودن این سفارت خانه یا شرارت خانه ها فرقی نمی کند همانطور که در جریان میکونوس (اواسط دهه ۷۰ شمسی) کشورهای بلاد اروپا سفارتخانه هایشان را بستند و رفتند و دست از پا درازتر برگشتند اما همین ها میدانی است برای تجلی و تبلور سنن الهی: "لیلوکم ایکم احسن عملا".

در نهایت از هر دو جریان و رویداد مشابه، افرادی بودند که ته خط به عذرخواهی رسیدند. در قضیه سفارت آمریکا اصلاح طلبانی مثل معصومه ابتکار و عباس عبدی رسماً از آمریکا طلب بخشش کردند! در جریان سفارت انگلیس هم بعضی از دوستان بواسطه اینکه عملشان مطابق با نیازهای جمهوری اسلامی نبود اذعان به اشتباه خود کردند و از مقام عظمای ولایت عذرخواهی کردند. گروه اول خیانت کردند چون امام در نهایت عمل تسخیر سفارت را تأیید فرمودند و گروه دوم شجاعت به خرج دادند و مردانگی.

:: ظرف زمانی و مظلوف مطلوب

عمل باید در ظرف زمانی مختص به خودش باشد هزار رکعت نماز مستحبی شب تا سحر بخوانی و نماز دو رکعتی صبح خوانده نشود، اساس زیر سوال می رود. این نقل کارهای امروز جنبش دانشجویی است که واژه اصیل را با خود به یدک می کشد! جنبشی که هر یک دچار چندین نحله فکری و شقه شده اند و وحدت درونی حداقلی خود را بازیابی نکرده اند. حضرت آقا فرمودند عدالت خواهی، همه شنیدند اما وقتی فرمودند که عدالت باید یک رشته دانشگاهی بشود کسی نشنید! چرا؟! چون سخت است! داد و بیداد کردن و تجمع را همه بلدند و تخم دو زرده ای هم نیست و هنری هم نیست. مدل مدیریتی و سبک کار تشکیلاتی، جوانانی هستند که امام می فرمود مقابل شما احساس حقارت می کنم همان هایی که جراحت شدید بر می داشتند و بعد از انتقال به بیمارستان فرار می کردند و به خط

مقدم بر می گشتند تا حرف امامشان روی زمین نماند. جنبش دانشجویی کنونی شدت از نبود یا کمبود و نداشتن و نرفتن به سمت الگویابی رنج می برد. "مستحب گرایی" بجای تکلیف گرایی و عمل به واجبات و فرامین ولی معظم فقیه؛ اجرایی زدگی و هیجانات مدیریت نشده دوران جوانی، خار در پای دانشجویان متشکل شده است.

به کارهای زودپزی و ضربتی و زودبازده نباید عادت کرد. بهتر بود بیرون سفارت و با صبر بلند مدت و ساختار بندی و شرح وظایف معین و مشخص و پیش بینی سناریوها و سوء استفاده های احتمالی و بررسی شرایط ملی و بین المللی و در چارچوب رابطه و نظام امام و امتی حرکت صورت می گرفت. با این حال هنوز رگه هایی وجود دارد که پس از آزمون و خطاهای بسیار و مشاهده تیرهایی که به سنگ می خورد، مجددا دم از ورود به موارد مشابه آن هم بصورت راسا می زنند که مشخص است در انتقال درس ها و عبرت های این جنس از رویدادها موفق عمل نشده است.

:: خامنه ای و فراخوان های بی پاسخ



اگر این میل و اشتیاق به بالا رفتن از دیوار سفارتخانه ها یا کارهای فرعی و دسته چندی، نصفش به بومی سازی علوم انسانی و نخبه پروری و جنبش نرم افزاری و جنگ نرم و ناتوی فرهنگی و وضع کرسی های آزاد اندیشی مان (که جای اشک ریختن بسیار دارد که حضرت آقا صدبار گفته اند و محدود به روابط قبل، حین و بعد از ازدواج شده است! چرا؟ چون ما خودمان از درون تهی هستیم چون اهل

مطالعه نیستیم تا زمانی که خودسازی انقلابی نکرده باشیم، نمی شود جامعه را انقلابی نمود) و سایر دل نگرانی های بنیادین ولی معظم فقیه، اختصاص داده می شد الان وضع موجود به مطلوب نزدیکی بیشتری داشت و نور علی نور می بود. این قدر دغدغه های مبنایی و اساسی در راستای تمدن سازی اسلامی از سوی امام امت برای امت امام ترسیم و تعریف شده است که وقت هزینه تراشی نداشته باشیم البته اگر این فرامین را توقع زا و بیشمار و خارج از اراده نخوانیم و تلقی واجبات اجتماعی را از آنان داشته باشیم. رزمندگان دفاع مقدس نگفتند نمی شود، گفتند اگر هم شدنی نباشد، به اروند می زنیم تا به امام بگویند بچه ها به خط زدند تا لبخند رضایت را بر لب امام مان بنشانیم و اینها راضیه مرضیه را صرف کردند.

:: تنقالات جای غذا را نمی گیرد

دغدغه های ما و دل نگرانی های رهبری و شرایط رخوت آلود پسا فتنه ای و رفع عذاب وجدان با کار فرعی بیشتر! برخورد حذفی و گزینشی و تن دادن به نسبی گرایی در اجرای فرامین امام امت؛ نگاه غالب در جنبش دانشجویی عصر کنونی است و فراخوان های اصلی و اساسی مبتنی بر نیازهای نظام اسلامی، عمدتاً توسط رهبری در جمع دانشجویان مطرح شده است نه مدیران و مسئولان و در وهله بعد با آنان جهت بسترسازی، طرح موضوع می گردد.

بعضی ها استاد خراب کردن حرف های خوب هستند! نمونه اش نوع برداشت ها و قرائت های هرمنوتیکی (چندگانه) و تفسیر شخصی مطالبات رهبر عزیز انقلاب اسلامی توسط بعضی از عناصر جنبش دانشجویی در راستای آسان سازی، ساده سازی و شاید پاکسازی صورت مسأله خواسته های ایشان از بدنه دانشجویان معتقد به گفتمان انقلاب اسلامی است.

:: انقلابی بودن؛ شوری است شیرین با درون مایه شعور. شعوری نشأت گرفته از انقلابی واقعی که تمام وجودش وقف اسلام بود:

مبارزه علی برای مکتب/ سکوت علی برای وحدت/ حکومت علی برای عدالت

:: نقشه راه جنبش دانشجویی مسلمان انقلابی

به منظور انسجام بخشی به فعالیت ها و تحرکات تشکیلاتی و حفظ جهت گیری ها در حوزه های کلان عمومی و اختصاصی، وظایف فعالان دانشجویی با توجه به فرمایشات امام امت و رهبر عزیز انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای، به صورت ذیل قابل تعریف و تشریح می باشد:

سیاست های کلان عمومی: ➤

۱. مقابله با جنگ نرم؛ نقش دانشجویان در این بین بعنوان افسران جوان جبهه مقابله با جنگ نرم از سوی امام خامنه ای ترسیم شده است، هدف در این میان، دفاع از نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در مقابل حمله همه جانبه دستگاه استکبار می باشد که این حملات متکی به زر و زور و تزویر و امکانات علمی و رسانه ای است که علت این حمله مخالفت ایران با دستگاه استکبار بعنوان قدرتی در حال رشد می باشد. گستره این حملات شامل شبکه عظیمی از قدرت های اقتصادی و دولت هاست که سیاست مخالفت شدید و مقابله با ایران تا هرجا که بتوانند را در پیش گرفته اند که شاهد این مقابله همه جانبه آنان، در طول ۳۰ سال حیات طویه نظام جمهوری اسلامی ایران قابل مشاهده می باشد. نقطه عطف و توقف این هجمه ها، پیشرفت و رسیدن به نقطه ای است که آسیب پذیری نزدیک به صفر باشد.

در این بین دانشگاه نباید تحت تاثیر قضایای سیاسی حقیر و کوچک قرار گیرد (عدم ایجاد آسیب و اختلال در آزمایشگاه ها، کلاس ها و مراکز تحقیقاتی) که منجر به حفظ حرکت علمی دانشگاه ها می گردد که برای دشمنان امری نامطلوب است. دانشجویان باید راهکارها و نقش خود را بازیابند و با تشکیل اتاق های فکر به مقابله با نفاق جدید و برپایی عدالت پردازند چراکه عدالت در یک جمله و زمان کوتاه میسر نیست نگاه ما باید نگاهی امیدوارانه و خوشبینانه باشد که ریشه در بصیرت دارد و نه توهم زیرا جوانی، مرکز خوشبینی و امید به آینده است و در مقابل نگاه نومیدانه به بی عملی، بی تحرکی و انزوا می انجامد. باید از تحرکات افراطی پرهیز کرد گرچه طبیعت جوان، تندی و تحرک است اما با تصمیم گیری با فکر، این نقیصه قابل حل و مرتفع شدن است چنانکه جوانان این دوره نسبت به گذشته فکورتر هستند.

۲ دستیابی و قدرت و اقتدار علمی: اهمیت این موضوع از آنجاست که لازمه رساندن سخن خود به گوش همه افراد دنیا، لازمه داشتن سیاست برتر و دست والا در دنیای سیاسی، لازمه دستیابی به قدرت اقتصادی همین صلابت و قدرت برتر علمی است که این خود بواسطه عقب ماندگی ما در علم یک ضرورت است که در دوران قاجاریه و ۵۰ ساله منحوس پهلوی بر ملت ما تحمیل شده است. نتیجه این حرکت دست یابی به قدرت بین المللی در حوزه های سیاسی و اقتصادی است که مانع رسیدن استکبار به آرزوهای خود در مورد ملت و نظام اسلامی ایران است. غرب هم اکنون با دست یابی به قدرت علمی به رواج زورگویی در دنیا، رفتار برخلاف قوانین بین المللی و داشتن وقیحانه ترین موضع در دنیای تعامل بین المللی انسان روی آورده است.

۳ حفظ هوشیاری و به موقع عمل کردن: باید حوادث کشور و جهان را بصورت هوشیارانه مدنظر قرار داد و غریبه ها در لباس خودی را رصد نمود و دست های پنهان را شناسایی کرد. باید دشمن را در هر جا و هر چهره شناخت. باید اهداف و روش های خصمانه وی را بررسی نمود و برخلاف خواست دشمن عمل کرد که این از معیارهای اساسی امام راحل می باشد که ناشی از خیر نبودن خواست دشمنان برای ملت مسلمان ایران می باشد و به یاد داشته باشیم دشمن همواره از منافع خود دفاع می کند. در این مسیر می بایست خود را به تدبیر و حلم تجهیز نمائیم چراکه قشر دانشجو توسط دشمن، هدف قرار گرفته است از آنجا که قشری است فاخر و با ارزش و دشمن با نفوذ دادن عناصری خاص، سعی در به انحراف کشاندن این طیف به نفع خود می باشد. نتیجه این بیداری پیشرفت سریع کشور در جهت شکوفایی است. البته باید متوجه به میان آمدن هیجانات کور که باعث سوء استفاده دشمن از موقعیت می شود، باشیم با حضور در همه میدانها. آمادگی همراه با انضباط.

۴ کسب قدرت تحلیل سیاسی: به معنی پیدا کردن قدرت تحلیل مسائل و جریان های مهم کشور که در صورت فقدان آن به سیاست زدگی و سیاست بازی می انجامد که اثری است نامطلوب بخصوص در دانشگاه ها. اهمیت این موضوع از آنجاست که برای ملت ها مشکلات بزرگی بواسطه خطا در فهم سیاسی بوجود می آید.

۵ تعمق بخشیدن به معرفت دینی: باید توجه کرد که علاقه به دین کافی نیست و نیاز به نسل جوان با همت و مومن و دارای معرفت دینی برای تشکیل نظام اسلامی می باشد.

۶ حفظ محیط پرنشاط دانشجویی برای پیشرفت سریع علمی: این مهم بواسطه تدین، تعهد و تلاش انقلابی قابل دستیابی است.

۷ اجازه ندادن به کسی برای اخلال در روند علم و دین دانشگاه.

۸ حفظ و تقویت اعتماد به نفس: منجر می شود به: پیشرفت در عرصه دانش و تحقیقات، پیشرفت در عرصه فرهنگی، سیاسی و دینی. چالش موجود: تلاش دشمن برای جدا کردن نسل جوان از آرمان های انقلاب می باشد برای رفع این عیب باید عناصر اعتماد به نفس برجسته شود، حذف عناصر تضعیف اعتماد به نفس، تفکر و مطالعه در مورد این مساله.

۹ مطالبه همراه با عقلانیت: در زمینه های سیاسی، اجتماعی، علمی و مسائل خاص دانشگاهی. باید از افراط و تفریط پرهیز نمود و در خط اعتدال حرکت کرد و دنبال کردن روشی منطقی و صحیح. چالش بزرگ پیش رو در این حوزه حس بی فایده دانستن مطالبه است. لازمه این حرکت مایوس نشدن و استمرار عمل است چراکه آرمان های بزرگ در کوتاه مدت عملیاتی نمی شود. مطالبه گری باید بصورت یک روند در دانشگاه تعریف شود تا توسط ورودی های آینده قابل پیگیری باشد لازمه این تداوم، نخبه پروری سیاسی است. مطالبه گری می تواند با ریشه دار شدن افکار در دلها، بعد از خروج از دانشگاه نیز امتداد یابد. انتقاد و مطالبه به معنی معارضه و ضدیت (پنجه در افکندن و نه معتقد نبودن) نیست و حمایت و طرفداری به معنای انتقاد نداشتن نیست.

۱۰ جدیت و احساس مسئولیت در مورد مسائل اساسی کشور و آرمان های دانشجویی: اهمیت این مطلب از آنجاست که بسیاری از مشکلات و نقائص کشور ناشی از جدی نبودن در کار است. باید در حوزه های عدالت خواهی، تولید علم، آزادی خواهی و آزاداندیشی بصورت هدفمند فعالیت نمود. مبحث عدالت خواهی بارها از سوی حضرت امام خامنه ای مورد تاکید قرار گرفته است چراکه با مطالبه، کارهای زیادی به انجام می رسد. لازمه عدالت خواهی باور آن به عنوان یک نیاز حیاتی برای جامعه می باشد که تفاوت اساسی با

برداشت غلط "گره کردن مشت" دارد. در تولید باید از حالت تقلیدی و مترجمه ای خارج و با نگاهی راهبردی و حیاتی به آن نگریست که آزادی و استقلال یک کشور بسته به آن است.

در حوزه آزادیخواهی باید مراقب برداشت و تلقی در حد معنای محدود سیاسی بود و راه مقابله با این رویکرد، تعمیق معنای آزاداندیشی است. آزاداندیشی به معنای آزاد فکر کردن، آزاد تصمیم گرفتن و این که مستقل عمل کردن و به تقلید غرب عمل نکردن است، زمینه چنین رویکردی علم، معرفت و مشی سیاسی است. الزامات این بند بدین صورت است که دستگاه دولتی مصلحت اندیش است اما جمع جوان دانشجو آرمانگراست و الزام دیگر انجام کار تئوریک است. مصلحت اندیشی به معنای رفتن دنبال مساله ای که مصلحت است بد و ضد ارزش نیست، در این حوزه نبایستی فقط خود را محق قلمداد نمود چراکه مصلحت اندیشی بواسطه سخت بودن اداره کشور و کار اجرایی، همچون برخورد با دوراهی ها در تعامل با دنیا، گاهی کار را صعب می نماید (مثل مشاهده کوهنورد از تلوزیون و انتظار حرکت سریع از او). باید مراقب غرق نشدن در مصلحت بود.

برآیند آرمانگرایی جوانان و چالش مسئولان با مصلحت ها امری مطلوب است. باید مراقب ورود مصلحت گرایی به محیط فکری و روحی دانشجو و جوان باشیم چراکه باعث قطع شدن ریشه برخی آرمانها و گم شدن آنها می گردد، راه مقابله، رها نکردن آرمانگرایی است که لازمه آن عمیق و مستحکم نمودن پایه های معرفتی در تمام زمینه هاست. انجام کارهای تئوریک در حوزه های علم، عدالت خواهی و آزاداندیشی باید صورت پذیرد بعنوان مثال مطالعه قانون اساسی در زمینه عدالت خواهی جهت مشخص شدن توقع از دستگاه ها برای تحقق عدالت اجتماعی. دانشجویی فرصت تحقق آرمانهاست بواسطه پاکی

و مومن بودن اغلب بدنه استادان و دانشجویان و علاوه بر آن وجود استعدادهای خوب در دانشگاه ها . مطلوب بودن حرکت دانشجویی که مورد هدف دشمن نیز قرار گرفته است. در صورت حضور جوانان در میدان، آرمانها قابل تحقق هستند.

➤ سیاست های کلان اختصاصی

۱ ضرورت وجودی بسیج دانشجویی: تقابل فرهنگی، سیاسی و تبلیغاتی استکبار و صهیونیسم با انقلاب و نظام اسلامی که این ناشی از آشکار شدن روشن بینی امام خمینی (ره) می باشد. ابزار دشمن در این تهاجم ابزار فرهنگی و تکیه بر سلاح تبلیغات و رسانه می باشد. برای مبارزه با استکبار جهانی باید بر ایمان صادقانه، منطق قوی، عمل صالح و حضور عاشقانه و مخلصانه تاکید کرد.

۲ وظایف دانشجوی بسیجی: ۱- آماده سازی علمی و فکری خود برای شرکت در پیشرفت مادی ملت و کشور (امام صادق(ع): سه چیز که مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت، رفاه) ۲- افروختن چراغ ایمان و هدایت در دل خود و محیط دانشگاه ۳- نورانی کردن فضای دانشگاه با صفا و نورانیت خود ۴- از یاد بردن دشمن کمین گرفته و نسپردن خود، دانشگاه و کشور به دشمن از روی غفلت ۵- مغتنم شمردن جوانی و بهره بردن از لحظه های آن برای خودسازی علمی، فکری و روحی ۶- پیش بردن پیکار فرهنگی، فکری و عقلانی مثل حضور در میدان های جنگ ۷- خود را در همه حال سرباز اسلام و انقلاب و فرزند خمینی کبیر شمردن که لازمه اش تکیه بر هوشمندی، تلاش و توکل است.

۳ سلاح دانشجوی بسیجی: ایمان صادقانه، منطق مستحکم، عزم پولادین.

۴ اهمیت بسیج دانشجویی: این نهاد یکی از ارزنده ترین یادگارهای امام راحل است. کانون رشد و اشاعه تفکر بسیجی که ترکیبی است از حقایق والا و برتر همچون ایمان عمیق، تلاش مخلصانه، هوشیاری در شناخت دشمن، گذشت و ایثار در برابر دوست، ایستادگی و مقاومت شجاعانه و خستگی ناپذیر. بواسطه همین ارزش های والا است که امام خمینی(ره) به اینکه خود یک بسیجی است افتخار می کند. نیاز امروز دانشگاه بیش از همیشه به بسیج دانشجویی است که در صراط مستقیم انقلاب حرکت می کند. بسیجی بودن یک فرهنگ است به معنای پیشرو بودن در همه عرصه های زندگی اما عده ای در دانشگاه و خارج آن با تکرار حرف های دشمنان، بسیج را بد معنی می کنند که وظیفه ما در این بین معرفی ویژگی های این فرهنگ به دانشجویان است که نتیجه آن مضاعف شدن شوق انسانهای منطقی به سوی بسیجی شدن در دانشگاه هاست.

۵ ویژگی های بسیج دانشجویی: ۱- حضور در میدان های اساسی و حیاتی: در عرصه های: دفاع از مرزها در وقت حمله دشمنان، حضور در زمان مورد مناقشه قرار گرفتن هویت سیاسی و ملی کشور، به هنگام اهانت و تحقیر فرهنگ و اعتقادات ریشه ای ملت، به هنگام احساس عقب ماندگی از قافله دانش جهانی، در وقت ترمیم پایه های زندگی مطلوب و عادلانه در کشور، در زمان تهاجم فکری و فرهنگی دشمنان با ابزار فوق مدرن. الزامات این حضور عبارتند از: احساس نیاز افراد و سرگرم نبودن در رفع نیازهای حقیر، وجود انسان های آماده و با اراده و با گذشت از راحتی و آسایش، مزد نخواستن برای انجام کار بعلت ارتباط مزد با انگیزه های بیرونی (انگیزه گرفتن از عمق جان و تحقیر انسان خودشکوفا به هنگام مزد گرفتن)، داشتن توانایی و نشاط کافی بواسطه جوان بودن مجموعه، شناسایی و فهم افکار و شبهات، کنار زدن بخش های غلط مجموعه، آمیختن بخش های درست دیگران به بخش های درست و مطلوب خودمان، تجزیه و تحلیل مسائل ۲- امکان حضور

هر فرد با هر سلیقه سیاسی در بسیج دانشجویی: با الزامات (شروط) پابندی به ارزش های انقلاب، آماده حضور در عرصه مبارزه فرهنگی و سیاسی با استکبار. بسیج دانشجویی در عین آنکه یک تشکل نظم یافته و برخوردار از سازماندهی است نه در جناح های سیاسی هضم و حل می شود و نه خود را رقیب سازمان های دانشجویی متعارف می داند ۳- اتصال همزمان به دانشگاه و سپاه: دانشگاه محیط درس و بحث و علم و تحقیق است و سپاه نماد مقاومت انقلابی و شجاعانه، مجموعه ای برای مجاهدت که سازمانی فراتر از سازمان نظامی و دارای افتخار نظامی بودن است. اهمیت سپاه برای بسیج دانشجویی بعنوان یک تکیه گاه مطمئن و ذخیره ای از تجربه های جهادی و انضباطی.

۶ تفاوت با دیگر تشکل ها: مجموعه ای برای برآوردن نیازهای انقلاب در هر زمان و از هر نوع، مجموعه ای دارای ظرفیت برای هوشیاری کامل و تحلیل و جمع بندی فراجناحی.

۷ نیازها: ۱- اتاق فکر: با هدف کار تئوریک و تربیت دانشجویان با ویژگی ذهن روشن، زبان گویا و ابتکار بالا (با موضوعات مسائل اسلام، مسائل بین المللی، مسائل جاری کشور و مسائل مرتبط با دانشگاه و تولید نشریات قوی و پرمایه و قابل استفاده برای همگان) ۲- گزینش قوی به منظور انتخاب افراد با صلاحیت و پرهیز از ورود نفوذی ها ۳- جهاد علمی: ورود به میادین علمی و جذب حمایت وزارتخانه ها، معاونت های تحقیقاتی و اداری مالی و سازمان بسیج ۴- اخلاق و معنویت: پرهیز از گناه، انجام فرائض با شوق و رغبت قلبی، انس با قرآن، غافل نشدن از یاد خدا، کمک به دینداری و معنویت یکدیگر، ترویج درس های اخلاقی و استفاده از اساتید اخلاق ۵- ایجاد زمینه خودسازی، هوشمندی و پایداری بسیجیان.

۸ آسیب شناسی: تصور و تلقی از بسیج دانشجویی بعنوان یک مجموعه نظامی.

۹ وظائف: ۱- تجددطلبی مطلوب اسلام: لازمه آن پیشرو بودن و پر کردن خلأ به بهترین وجه می باشد. در مقابل این نقطه، تقلید غرب است که سابقه متولد شدن روشنفکری بیمار وابسته به غرب در اواخر قاجاریه و به اوج رسیدن آن در دوره پهلوی که باعث ورود تفکرات مرتد و دسته چندم غربی به کشور می شود که منجر به عقب افتادگی و عقب گرد و به قهقرا رفتن می گردد. تجددطلبی می تواند در حوزه های شیوه لباس پوشیدن، در منش ظاهری، در شیوه اداره جامعه، در مسائل اجتماعی و سیاسی صورت پذیرد ۲- تقویت خصوصیات اساسی دانشجویان بسیجی شامل: شجاعت و غیرت دینی، دانایی و مسائل فکری، نیازشناسی، خلاقیت ابتکار و جوشش ذهنی، مطالبه حق در ابعاد زبانی و با کار و تلاش ۳- تعمیق تفکر اسلامی شامل الزاماتی از قبیل رعایت ظواهر اسلامی، همراهی مضمون با ظواهر اسلامی (در مراسم مذهبی، سخنرانی، نماز جماعت و...)، توجه به خداوند و اخلاص در عمل. نتیجه این عملکردها، حرکت بر اساس اعتقادات ریشه ای و دینی و ایستادگی در میدان های گوناگون خواهد بود. در صورت فقدان عمق بخشی به تفکرات اسلامی شاهد پذیرش انقلابیون داغ و پرشور در حوادث بعد از انقلاب و تبدیل تندروهای چپ گرای اول انقلاب به تندروهای راست گرای کنونی ۴- عدالت طلبی شامل الزاماتی است از قبیل: مطالبه واقعی همراه با شعار و رو در رو ایستادن، حرکت بر اساس اصول و تفکرات انقلابی.

طراحی ساز و کارهای مناسب: این ساز و کار شامل الزاماتی از قبیل جنبش نرم افزاری و نهضت آزاداندیشی، طراحی سیاست های عدالت طلبانه، توانا شدن دستگاه اجرایی در عملیاتی کردن سیاست ها. چالش پیش روی ساز و کارها: علاقه نداشتن افراد به اجرای ساز و کار طراحی شده، اعتقاد نداشتن افراد به ساز و کارهای طراحی شده، بی همتی، بی حالی و بی حوصلگی نیروها.

مسئول این حوزه، جوان هوشمند فرزانه دانشجوست بواسطه متعلق بودن آینده کشور به جوانان و متعلق بودن مدیریت آینده به جوانان که وظیفه تبدیل شدن به مهره ای مستحکم برای دستگاه اجرایی کشور را بر عهده دارد.

۱۰ توصیه های راهبردی: ۱- مساله ورود به سیاست: پرهیز از محافظه کاری، هوشیاری کامل، تحلیل فراجناحی ۲- حفظ اتحاد سازمانی و تشکیلاتی ۳- پرهیز از تنبلی ۴- هوشیاری: دارای الزاماتی است از قبیل: شناخت دشمن، پرهیز از تکمیل پازل دشمن حتی با حرف حق، اهتمام کامل و پرهیز از سهل انگاری، پرهیز از عمل در مواضع ابهام. ثمرات این حرکات عبارت است از: فهم جایگاه خود، فهم وظایف، ابراز حساسیت های بجا.

:: امید است با حرکت در صراط مستقیم انقلاب اسلامی و با تأسی به منویات امام خمینی(ره) و امام خامنه ای(حفظه الله) و با چنگ زدن به قرآن و عترت، با فهم بهنگام و تشخیص مناسب و عمل بموقع و خلوصی الهی بتوانیم در مکتب مرفعی اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی به ایفای وظیفه خویش پردازیم و همواره گوش به حرف روح خدا باشیم که فرمود: ما موظف به وظیفه ایم نه نتیجه. "ان تنصروالله ینصرکم و یشب اقدامکم" این وعده راستین الهی در صورتی شامل حالمان می شود که به موعظه حضرت حق عمل نماییم که می فرماید: "انی اعظکم بواحدہ ان تقوموالله مثنی و فرادی".